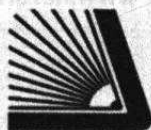


# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## و بسم و مایه

دل‌تنگی های شبانه یک  
دیوانه

ستاره قدری



انتشارات نظری

|                     |                                       |
|---------------------|---------------------------------------|
| عنوان و نام پدیدآور | دلتنگی های شبانه یک دیوانه/ستاره قدری |
| مشخصات نشر          | تهران: انتشارات نظری، ۱۴۰۰            |
| مشخصات ظاهری        | ۱۶۷ ص                                 |
| شابک                | ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۹-۹۱۱-۴                     |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | فیا                                   |
| موضوع               | داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴       |
| رده بندی کنگره      | PIR۸۳۵۷                               |
| رده بندی دیویی      | ۸۸۳/۶۲                                |
| شماره کتابشناسی ملی | ۸۶۷۳۸۷۱                               |

نام کتاب: دلتنگی های شبانه یک دیوانه

نام نویسنده: ستاره قدری

طراح جلد: مهدی قندهاری

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰

کلیه حقوق چاپ و نشر و مالکیت مادی این کتاب، مخصوص و محفوظ ناشر است.

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی (یوسف آباد)،

نیش خیابان فتحی شقایق، جنب بانک سپه پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

E-mail: nazaribook@yahoo.com

www.nazaribook.ir



انتشارات نظری

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

قیمت: ۵۱۰۰۰۰ ریال

## فهرست

- مقدمه ..... ۹
- داستان اول: دل گیر است ولی دلگیر است ..... ۱۱
- داستان دوم: او کرونا گرفته است ..... ۱۴
- داستان سوم: چای سرد ..... ۱۹
- داستان چهارم: صد و هشتاد منهای تو ..... ۲۲
- داستان پنجم: بیشتر از خودت ..... ۲۷
- داستان ششم: یک لیوان آب جوش ..... ۳۰
- داستان هفتم: دختر خانگی ..... ۳۵
- داستان هشتم: یک بغل شعر ..... ۴۱
- داستان نهم: مرد عمل ..... ۴۶
- داستان دهم: چند قدم آن ورتر ..... ۴۹
- داستان یازدهم: تنها عضو دسته‌ی دوم ..... ۵۳
- داستان دوازدهم: کارما کار ما را تلافی می‌کند ..... ۵۷
- داستان سیزدهم: ته سیگار ..... ۶۱
- داستان چهاردهم: خوبی؟! ..... ۷۰

- داستان پانزدهم: دلتنگی‌های شبانه یک دیوانه ..... ۷۳
- داستان شانزدهم: عاشقانه‌ای مختصر ..... ۷۷
- داستان هفدهم: من هستم ..... ۸۱
- داستان هجدهم: احوال این روزها ..... ۸۷
- داستان نوزدهم: هیپنوتیزم ..... ۹۲
- داستان بیستم: حساسیت فصلی ..... ۹۹
- داستان بیست و یکم: بی بازگشت ..... ۱۰۴
- داستان بیست و دوم: اخم‌هایت را باز کن ..... ۱۰۹
- داستان بیست و سوم: شکلات تلخ ..... ۱۱۴
- داستان بیست و چهارم: عشق دوران دانشجویی ..... ۱۱۸
- داستان بیست و پنجم: بی‌ملاحظه ..... ۱۲۸
- داستان بیست و ششم: نوار خالی ..... ۱۳۲
- داستان بیست و هفتم: اتصال موازی ..... ۱۳۸
- داستان بیست و هشتم: به جای من نفس بکش ..... ۱۴۱
- داستان بیست و نهم: تصویر بی‌رحم ..... ۱۴۸
- داستان سی ام: نامه‌ی چند هزارم ۱ ..... ۱۵۳
- شما بنویسید ..... ۱۵۸
- سپاسگزاری ..... ۱۵۹
- کلام آخر ..... ۱۶۵

## مقدمه

گفتند نکند یادت برود و همان ابتدا یادش نکنی!  
بگذار از آغاز، دلش بند و نگاهش بر ورق ماندگار شود.  
گفتم کلام اول چه گناهی کرده است که باید بار سنگین نامش  
را به دوش بکشد...؟!  
پس پراکندم نگاهت را، خیالت را  
نام بی چون و چرایت را...  
سطر به سطر واژه به واژه حرف به حرف...  
خودت را از تمام دلنوشته‌ها و نانوشته‌ها بیاب!  
دلنوشته‌ها را بخوان و نانوشته‌ها را زندگی کن!